



Challenges and opportunities of investment and financing to improve agricultural production

Page Number

05–26

H. Azarm^{1*} and Z. Farajzadeh²

1 and 2) Department of Agricultural Economic. University of Shiraz. Shiraz. Iran.

*Corresponding author: hassan_azarm@yahoo.com

Received date: 2024.01.08

Accepted date: 2024.04.15

Abstract

The amount of investment in Iran's agricultural sector is low. Despite the high potential of the agricultural sector in assisting production and creating value-added, the investment and financing of this sector face significant obstacles and challenges. In this regard, in the present study, using SWOT analysis, the main factors including strengths, weaknesses, opportunities, and threats surrounding investment in the agricultural sector of Fars province were identified. Then, using the analytical hierarchy process (AHP), the importance (weight) of each of these main factors and their sub-factors was measured from the point of view of experts and farmers. In the following, based on the obtained weights for each of the main factors and sub-factors, the current position of the agricultural sector was drawn, as well as future strategies for the development and mobility of investment in the agricultural sector. The results showed that the current situation of investment and financing of the agricultural sector in the region corresponds to the integration strategy. Therefore, using strengths to avoid the negative consequences of threats, along with paying attention to the ability to limit the factors of weakness in order to strengthen and expand investment, should be on the agenda. Due to the high attractiveness of ST and WO strategies compared to other strategies, existing opportunities and weaknesses are very important. In this situation, it is suggested that the economic activists deal with the weaknesses while taking advantage of the opportunities and providing the basis for the diversity of activities.

Key words: Capital, Value-added, SWOT and Analytical hierarchy process.

چالش‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی به منظور بهبود تولیدات بخش کشاورزی

شماره صفحات
۰۵-۲۶

حسن آزرم^{۱*} و زکریا فرج‌زاده^۲

۱ و ۲) گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: hassan_azarm@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

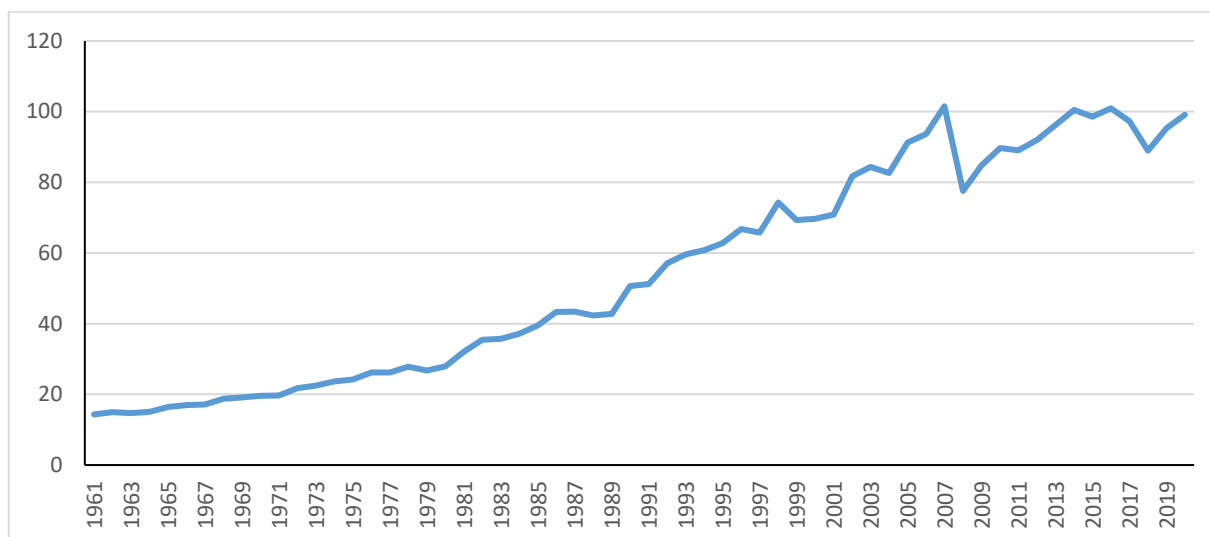
چکیده

بخش کشاورزی در مساعدت به تولید و ایجاد ارزش افزوده از پتانسیل بالایی برخوردار است. با این حال، میزان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران پایین است و سرمایه‌گذاری و تأمین مالی این بخش با موانع و چالش‌های اساسی مواجه است. در همین راستا، در مطالعه حاضر با استفاده از تحلیل SWOT ابتدا عوامل اصلی شامل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای پیرامون سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی استان فارس شناسایی و با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی اهمیت (وزن) هر یک از این عوامل اصلی و زیرعوامل آنها از دیدگاه کارشناسان و کشاورزان اندازه‌گیری شد. در ادامه بر اساس وزن‌های به دست آمده موقعیت فعلی بخش کشاورزی ترسیم و همچنین استراتژی‌های آینده جهت توسعه و تحرک سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی تدوین شد. نتایج نشان داد که موقعیت فعلی سرمایه‌گذاری و تأمین مالی بخش کشاورزی در منطقه متناظر با استراتژی ادغام قرار دارد. بنابراین، استفاده از نقاط قوت برای اجتناب از تبعات منفی تهدیدهای محیطی در کنار توجه به توان محدودکنندگی عوامل ضعف به منظور تقویت و گسترش سرمایه‌گذاری می‌بایستی در دستور کار قرار گیرد. همچنین، با توجه به بالا بودن جذابیت استراتژی‌های ST و WO نسبت به سایر استراتژی‌ها، فرصت‌های موجود و ضعف‌ها حایز اهمیت بسیار هستند و در این شرایط پیشنهاد می‌شود که فعالان اقتصادی ضمن بهره‌گیری از فرصت‌ها به مقابله با ضعف‌ها پرداخته و زمینه ایجاد تنوع فعالیت را فراهم نمایند.

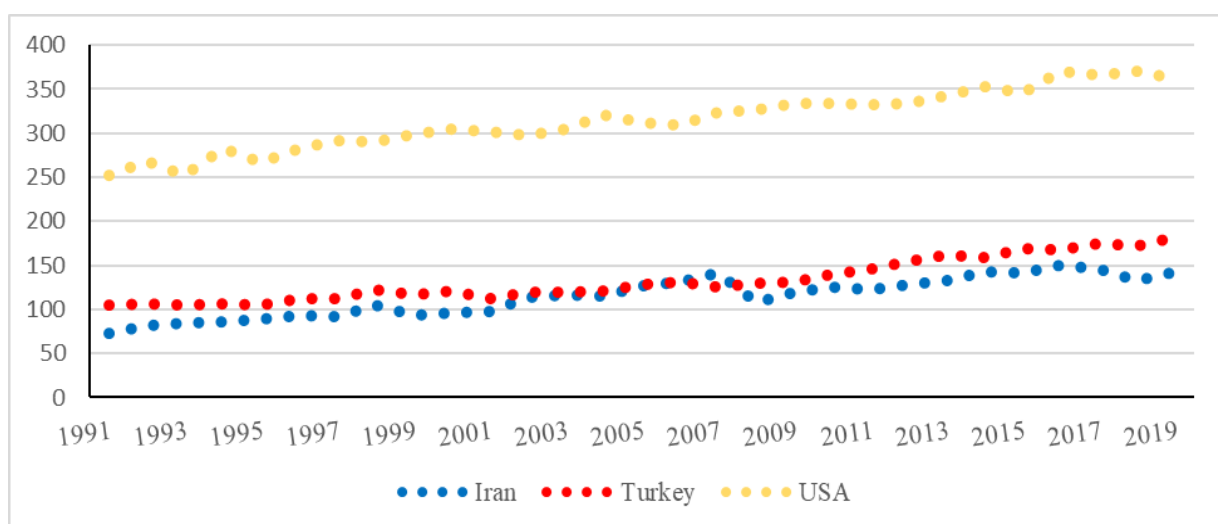
واژه‌های کلیدی: سرمایه، ارزش افزوده، SWOT و تحلیل سلسله مراتبی.

مقدمه

کشاورزی یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی است که جایگاه خاصی در فرآیند توسعه دارد. از طریق رشد و توسعه کشاورزی، کشورهای مختلف توانسته‌اند به اهدافی از جمله فقرزدایی، تنوع بخشیدن و پایدار کردن الگوی توسعه شهری، توزیع درآمد و عدالت اجتماعی دست یابند (FAO, 2010). بخش اعظم تولید کشاورزی در مناطق روستایی صورت می‌گیرد و توسعه کشاورزی بخش عمده‌ای از فرآیند توسعه روستایی را به عهده دارد. همچنین، کشاورزی به دلیل نقش انکارناپذیر در تأمین سلامت و امنیت غذایی خانوارها از یک سو و ایجاد اشتغال و کمک به رونق صادرات غیرنفتی از سوی دیگر همواره در کانون توجه سیاست‌گذاران در تمامی کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه قرار داشته است (Ordi bazar & Moghaddasi, 2010). بنابراین، به منظور رشد پایدار کشاورزی ضرورت توجه و حمایت‌های خاص به این بخش و انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید حائز اهمیت است. سرمایه یکی از مهم‌ترین نهاده‌های تولید به شمار می‌آید. این نهاد نقش بسزایی در افزایش سطح تولید فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه افزایش بهره‌وری سایر عوامل تولید دارد. در بخش کشاورزی نیز سرمایه و سرمایه‌گذاری عنصر کلیدی رشد و توسعه محسوب می‌شود. تجربه کشورهای موفق در زمینه‌ی تولید محصولات کشاورزی نشان می‌دهد که به‌کارگیری اصولی سرمایه در فعالیت‌های مختلف کشاورزی منجر به افزایش بهره‌وری عوامل تولید از جمله مدیریت نیروی کار و زمین شده است و با توجه به اینکه بیش‌تر فعالیت‌های کشاورزی در روستا صورت می‌گیرد؛ سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی موجب ایجاد فرصت‌های شغلی در این بخش می‌گردد. با حاکم شدن اسن شرایط، با جلوگیری از مهاجرت افراد به شهرها عرضه‌ی بخش کشاورزی را بالا می‌برد که این نیز در بالابردن سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و گسترش فعالیت‌های آن همراه با فن‌آوری بالاتر و در نهایت افزایش عرضه‌ی مواد غذایی و افزایش درآمد روستاییان مؤثر است. اما، در سال‌های گذشته، کمبود سرمایه و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران در مقایسه با سایر بخش‌ها باعث پایین آمدن سطح بهره‌وری در این بخش شده که این بهره‌وری اندک خود موجب کاهش درآمد کشاورزی و سودآوری این فعالیت شده است (Abdullahi, 2004). مطابق آمارها، بخش کشاورزی سهمی حدود ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی، ۱۵/۳ درصد از ارزش صادرات غیرنفتی و ۱۷/۸ درصد از اشتغال کشور را به خود اختصاص داده است (Statistical Centre of Iran, 2020). به منظور تشریح روشن نقش بخش کشاورزی، روند تولید این بخش با استفاده از شاخص تولیدات کشاورزی ارائه شده توسط (FAO, 2020) در شکل ۱ آمده است. این شاخص براساس ارزش تولید برحسب دلار محاسبه می‌گردد. همان‌طور که در شکل زیر مشاهده می‌شود در دوره ۲۰۲۰-۱۹۶۱ در اکثر سال‌ها تولید در بخش کشاورزی رو به افزایش بوده است. محاسبه رشد تولید بخش کشاورزی نشان می‌دهد در دوره یاد شده تولید این بخش به‌طور متوسط سالانه ۳/۵۳ درصد رشد داشته است.



شکل ۱: شاخص تولید بخش کشاورزی ایران در دوره ۱۹۶۱-۲۰۲۰

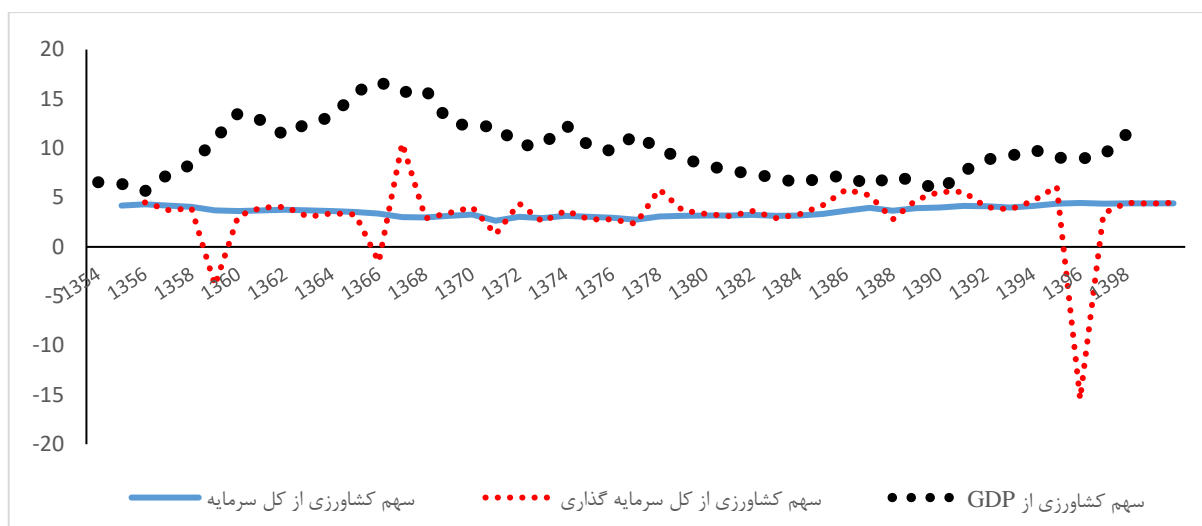


شکل ۲: ارزش تولید (فروش) کشاورزی براساس دلار برای قدرت خرید (میلیارد دلار)

ارزش تولید (فروش) کشاورزی براساس دلار برای قدرت خرید^۱ در ایران، ترکیه و آمریکا در شکل ۲ برای دوره ۲۰۱۹-۱۹۹۱ ارائه شده است. با توجه به نزدیک بودن شرایط اقتصاد ترکیه به شرایط اقتصاد ایران ارزش تولیدات کشاورزی این کشور برای مقایسه با ایران انتخاب شده است. کشور آمریکا نیز به عنوان کشوری با شاخص‌های اقتصادی ایده‌آل در نظر گرفته شده است. ملاحظه می‌شود که ارزش تولیدات کشاورزی کشور آمریکا از ۲۵۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۱ به ۳۶۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است. برای کشور ترکیه نیز ارزش تولیدات کشاورزی در طی این سال‌ها بین ۱۰۰ تا ۱۸۲ میلیارد دلار متغیر بوده است. ارزش تولید کشاورزی براساس دلار برای قدرت خرید در ایران نیز با وجود نوسانات متعدد روند افزایشی داشته است و بیش‌ترین میزان آن در سال ۲۰۱۹ و ۱۴۲ میلیارد دلار گزارش شده است. با توجه به موارد مطرح شده در بالا، میزان و

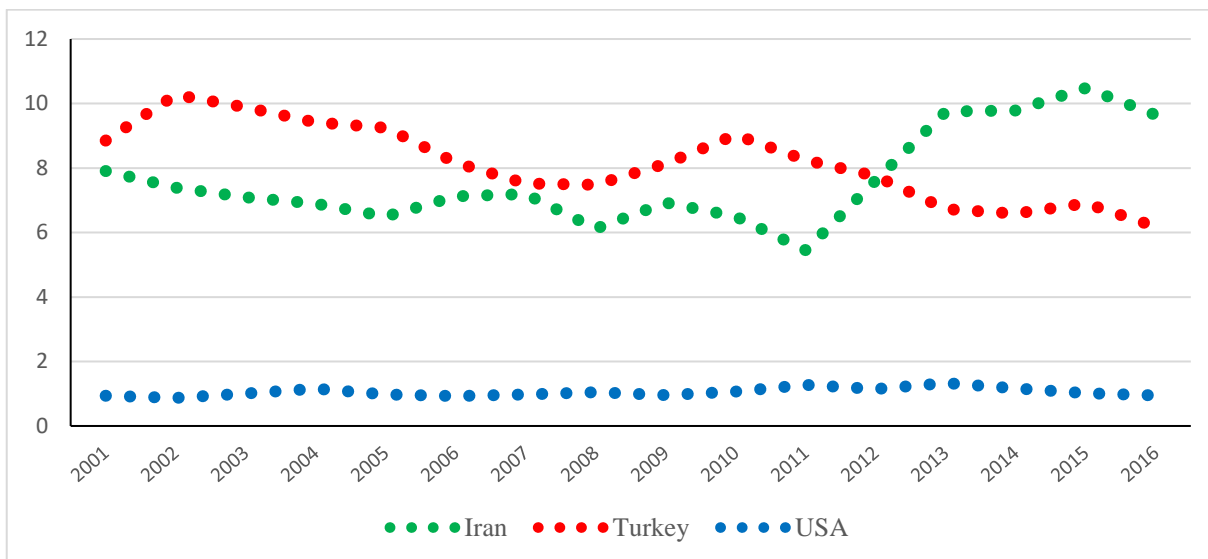
^۱ Purchasing Power Parity

ارزش تولیدات کشاورزی در سال‌های گذشته همواره صعودی بوده است. در این راستا، ارزش تولیدات کشاورزی در ایران تفاوت چندانی با ترکیه ندارد و در عین حال از کشور آمریکا به‌عنوان موفق‌ترین کشور در حوزه تولیدات کشاورزی فاصله زیادی دارد. مطابق شکل ۳، سهم سرمایه‌گذاری از کل سرمایه بین سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۹۸ همواره کم‌تر از ۵ درصد بوده است. سهم کشاورزی از کل سرمایه‌گذاری در این سال‌ها نیز مقدار پایینی است و در برخی از سال‌ها منفی بوده است و در سال ۱۳۹۷ این میزان به بیش از ۱۵- درصد کاهش یافته است. با این حال، بین سهم کشاورزی از GDP و سهم کشاورزی از کل سرمایه و سرمایه‌گذاری تناسبی وجود ندارد. طی دهه اول بعد از انقلاب به علت کاهش درآمدهای نفتی، وقوع جنگ و رکود بخش صنعت، سهم کشاورزی در تولیدات کشور روندی افزایشی داشت و در سال ۱۳۶۹ به اوج خود (۱۶/۷۵) رسید. همچنین، سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی علی‌رغم روند کاهشی در سال‌های اخیر، در نهایت در سال ۱۳۹۸ به ۱۱/۵ درصد رسیده است.

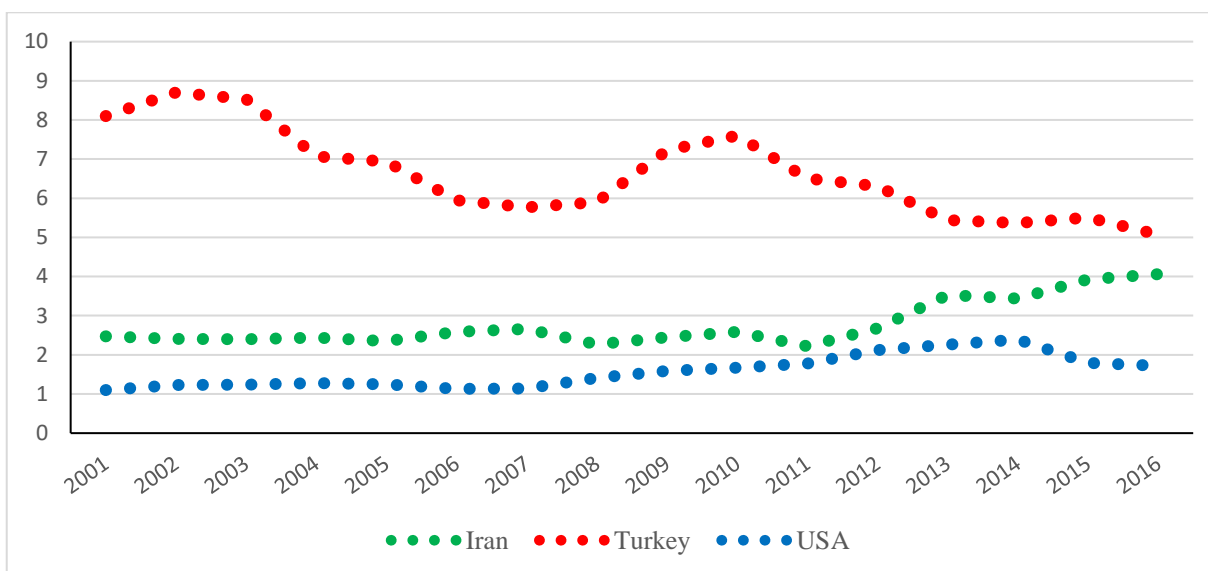


شکل ۳: سهم بخش کشاورزی از سرمایه، سرمایه‌گذاری و GDP (درصد)

با توجه به شکل ۴، سهم بخش کشاورزی از GDP در ایران از سال ۲۰۰۱ کاهش یافته است. اما به تدریج پس از افت و خیزهای متناوب در سال ۲۰۱۶ به حدود ۱۰ درصد رسیده است. از سال ۲۰۱۲ نیز سهم بخش کشاورزی از GDP در ایران از میزان این شاخص در کشور ترکیه پیشی گرفته است. سهم بخش کشاورزی از GDP در آمریکا نیز روند باثبات و کمتر از ۱/۵ درصد را ثبت کرده است. به‌طور طبیعی انتظار می‌رود برای کشور آمریکا در جریان گذار به سوی توسعه اقتصادی، سهم بخش کشاورزی به واسطه رشد سایر بخش‌ها کاهش یابد. مقایسه سهم بخش کشاورزی از سرمایه‌گذاری نیز نشان می‌دهد که این سهم برای کشور ترکیه بسیار بالاتر از ایران و آمریکا است. این سهم برای ایران در بیش‌تر سال‌ها کمتر از ۳ درصد بوده است و در سال‌های اخیر به ۴ درصد نزدیک شده است. برای کشور آمریکا این شاخص از سال ۲۰۱۲ به بالای ۲ درصد رسیده است (شکل



شکل ۴: سهم بخش کشاورزی از GDP (درصد)



شکل ۵: سهم بخش کشاورزی از سرمایه‌گذاری کل (درصد)

بر اساس شکل‌های ۴ و ۵، مقایسه ارقام سرمایه‌گذاری و سهم تولید بخش کشاورزی در ایران با کشورهای مشابه مانند ترکیه می‌توان نتیجه گرفت که در این کشورها سرمایه‌گذاری متناسب با سهم تولید و یا حتی بالاتر از آن است و در مورد آمریکا سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی به‌طور نامتناسبی بالاتر از سهم تولید است. این در حالی است که برای ایران، سهم بخش کشاورزی از سرمایه‌گذاری کم‌تر از سهم این بخش در تولید است. همچنین، در حال حاضر حدود ۱۰ درصد از تولید بخش کشاورزی صرف امور سرمایه‌گذاری می‌شود که این رقم برای ترکیه حدود ۲۵ درصد و برای آمریکا علی‌رغم انباشت بالای سرمایه بیش از ۳۵ درصد است. بنابراین، علی‌رغم پتانسیل بالای بخش کشاورزی در مساعدت به تولید و ایجاد ارزش افزوده، تمایل به سرمایه‌گذاری در این بخش پایین است. همچنین، آمار و داده‌ها نشان می‌دهد که متوسط سهم تشکیل سرمایه‌ی بخش کشاورزی از سرمایه‌گذاری کل دوره‌ی ۹۸-۱۳۵۲، برابر با ۵/۸ درصد بوده است که در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی، پایین‌ترین سهم

بوده است. با وجود آن که در دوره‌ی مذکور سهم ارزش افزوده بخش صنعت و معدن و کشاورزی از تولید ناخالص داخلی به ترتیب ۱۲/۶ و ۱۲/۸ بوده (یعنی سهم بخش کشاورزی بیش‌تر است) است، ولی سهم تشکیل سرمایه بخش صنعت و معدن از سرمایه‌گذاری کل طی همین دوره ۱۴/۰۴ درصد گزارش شده است. به این معنا که سهم تشکیل سرمایه از سرمایه‌گذاری کل در بخش صنعت و معدن سه برابر بخش کشاورزی بوده است (Central Bank, 2018). در این راستا، نسبت تشکیل سرمایه به ارزش افزوده بخش کشاورزی در ایران، ترکیه و آمریکا با تفاوت‌های آشکاری همراه است که این نسبت برای ایران بسیار پایین است. با این حال، این نسبت برای آمریکا میزان قابل توجهی است. در مورد بخش کشاورزی به دلیل جهت‌گیری به سوی توسعه صنعتی و همچنین گسترش نامتناسب بخش خدمات در دهه‌های اخیر، کمبود منابع سرمایه‌ای بیش از پیش مطرح بوده است. به طوری که، سهم فعالیت‌های کشاورزی از بازار سرمایه (بورس اوراق بهادار) تنها ۰/۶۲ درصد است که بسیار ناچیز است. بنابراین، سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در ایران پایین است و سرمایه‌گذاری در این بخش با موانع و چالش‌های اساسی مواجه است. تردید در بازده سرمایه در بخش کشاورزی در مقایسه با سایر فعالیت‌ها، توسعه‌نیافتگی بازارهای مالی کشاورزی، عدم وجود سرمایه‌گذاری‌های مکمل و پایین بودن مقیاس وجوه سرمایه‌گذاری بهره‌برداران و توان مالی پایین از دلایل احتمالی سرمایه‌گذاری پایین در بخش کشاورزی برشمرده می‌شوند. با این وجود، در خصوص پایین بودن بازده سرمایه در بخش کشاورزی باید گفت آنگونه که مطالعات نشان می‌دهد بازده عوامل تولید و بویژه بازده سرمایه در کشاورزی در سطح بالایی می‌باشد. به عنوان مثال Mehrabi Boshir Abadi *et al* (2011) بازده سرمایه را در فعالیت‌های زیربخش‌های زراعت و باغبانی، شیلات و جنگل و مرتع بیش از ۰/۵ درصد به ازاء یک درصد افزایش سرمایه ارزیابی نموده‌اند که این رقم برای زیربخش زراعت و باغبانی به‌عنوان مهم‌ترین زیربخش‌ها ۰/۷ می‌باشد. در حالی که این رقم برای کل اقتصاد ایران و برای مجموع سرمایه فیزیکی و انسانی در مطالعه Salehi (2002) کمتر از ۰/۷، در مطالعه Motafakerazad *et al* (2009) کمتر از ۰/۶ و در مطالعه Rabiei (2009) کمتر از ۰/۸ گزارش شده است. Shajari & Farajzadeh (2019) بازده سرمایه فیزیکی برای محصولات زراعی را بین ۰/۴۵-۰/۸ برآورد کردند. همچنین، برای محصولات دامی این نسبت در دامنه ۰/۵-۰/۹ و برای اغلب محصولات باغی بالاتر از ۰/۷ گزارش شد. همچنین مطالعه Malkootikhah & Farajzadeh (2019) نیز بر بالا بودن بازده سرمایه در بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها تأکید دارد. از طرفی، نرخ سود پایین اعتبارات بخش رسمی نسبت به بخش غیررسمی منجر به عدم تعادل بازار مالی روستایی به صورت مازاد تقاضا شده است. در همین زمینه Arab-Mazar & Khadimian (2012) و Kopai & Bakhshi (2002) عنوان کردند نرخ سود اعتبارات بخش رسمی حتی با اضافه کردن هزینه‌های جانبی بسیار کمتر از بخش غیررسمی است. بنابراین بخش رسمی بازار مالی روستایی ایران با عدم تعادل روبرو بوده به‌طوری که تقاضای اضافی برای منابع وجود دارد. از پیامدهای این عدم تعادل عدم بازپرداخت و نارسایی در بازار اعتبارات است. استان فارس از پتانسیل کشاورزی بالایی برخوردار است و در تولید بسیاری از محصولات کشاورزی دارای رتبه بالایی در سطح کشور می‌باشد. مطابق آمارها، ۸/۷ درصد از ارزش

افزوده بخش کشاورزی ایران توسط استان فارس ایجاد می‌شود و این استان از لحاظ میزان تولیدات کشاورزی در بخش‌های باغی، زراعی و دامی به ترتیب در رتبه اول، دوم و چهارم قرار دارد (Ministry of Jihad Agriculture, 2019). با این وجود در یک دهه گذشته، سرمایه‌گذاری در این بخش نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی استان، به دلیل توانایی مالی پایین بهره‌برداران در سطح پایینی بوده است. در واقع، علیرغم زمینه‌های اقتصادی مناسب در بخش کشاورزی استان فارس و همچنین نیاز مالی بالا به اعتبارات، اما سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی پایین‌تر از میزان مشارکت این بخش در تولید ناخالص داخلی و ایجاد ارزش افزوده بوده است. در این راستا، در یک دهه گذشته سهم بخش کشاورزی استان فارس از تولید ناخالص داخلی این استان همواره بالای ۱۰ درصد بوده است؛ اما سرمایه‌گذاری در این بخش کمتر از ۴ درصد بوده است. این در حالی است که *Shajari et al* (2018) و *Shajari & Farajzadeh* (2019) به این نتیجه دست یافتند که بازده سرمایه در بخش کشاورزی استان فارس قابل توجه است. با توجه به مطالب گفته شده مشخص شد که علیرغم مثبت بودن رشد تولیدات کشاورزی در سال‌های گذشته، بالا بودن سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی و نقش حیاتی این بخش در ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی پایدار؛ سهم آن از سرمایه‌گذاری و سرمایه اقتصاد ایران بسیار پایین است. این در حالی است که بازده سرمایه در این بخش نه تنها پایین‌تر از کل اقتصاد نیست؛ بلکه در مطالعات تجربی متعددی بازده بالاتر بخش کشاورزی قابل مشاهده است. از این رو، هرگونه برنامه‌ریزی برای توسعه و تحرک سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نیازمند شناخت دقیق مسائل، مشکلات و چالش‌های پیش روی آن‌ها از یک طرف و نقاط قوت و فرصت‌های آنها از طرف دیگر است. برای این منظور باید با ارایه روش‌شناسی متناسب راهکارهای ممکن برای هدایت منابع مالی به بخش کشاورزی ارزیابی و در نهایت براساس راهکارها استراتژی‌های عملیاتی ارایه گردد. بر این اساس در مطالعه حاضر چالش‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در بخش کشاورزی استان فارس از دیدگاه کارشناسان و کشاورزان فعال در این حوزه ارزیابی شده است.

مواد و روش‌ها

به لحاظ نظری سازوکارها و رهیافت‌های مختلفی برای بررسی مشکلات، چالش‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی بخش کشاورزی وجود دارد که از کاربردی‌ترین آنها استفاده از تکنیک تحلیل SWOT است. در رهیافت SWOT نخست نقاط قوت^۱، نقاط ضعف^۲، فرصت‌ها^۳ و تهدیدها^۴ دسته‌بندی و در مورد آنها بحث و تبادل نظر می‌شود (Marshall & Siahaan, 2021). تکنیک SWOT، مسائل را در دو بعد داخلی و خارجی بررسی می‌کند. در تحلیل خارجی، فرصت‌ها و تهدیدهای پیرامون

- 1- Strengths
- 2- Weaknesses
- 3- Opportunities
- 4- Threats

سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بررسی می‌شود. در تحلیل خارجی بیشتر وقایعی ارزیابی می‌شوند که شکل‌گیری آنها خارج از چارچوب بخش کشاورزی است و به طور کلی به مسائل پیرامونی ارتباط دارد. پس از شناسایی عوامل داخلی و خارجی، مهم‌ترین عوامل فهرست می‌شوند. این عوامل باید در برگزیده مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف سازمان باشند. تهیه این ماتریس شامل مراحل زیر است:

۱. فهرستی از هر یک از عوامل داخلی شامل نقاط قوت و نقاط ضعف و همچنین عوامل خارجی شامل فرصت‌ها و تهدیدها تهیه می‌شود.

۲. به این عوامل ضریب داده می‌شود. از صفر (بی اهمیت) تا ۱ (بسیار مهم). این ضریب بیانگر اهمیت نسبی آن در موفقیت است و مجموع این ضرایب باید برای مجموع عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) برابر ۱ شود. همچنین برای عوامل خارجی نیز مجموع ضرایب باید برابر با ۱ باشد.

۳. به هر یک از این عوامل نمره ۱ تا ۴ داده می‌شود. در خصوص عوامل داخلی نمره ۱ بیانگر ضعف اساسی، نمره ۲ ضعف کم، نمره ۳ بیانگر نقطه قوت عادی و نمره ۴ نشان‌دهنده قوت بسیار بالای عامل مورد بحث می‌باشد. لازم به ذکر است که نقاط قوت نمره‌های ۳ و ۴ و نقاط ضعف نمره‌های ۱ و ۲ دریافت می‌کنند. اما به عوامل خارجی هر چهار نمره می‌تواند نسبت داده شود.

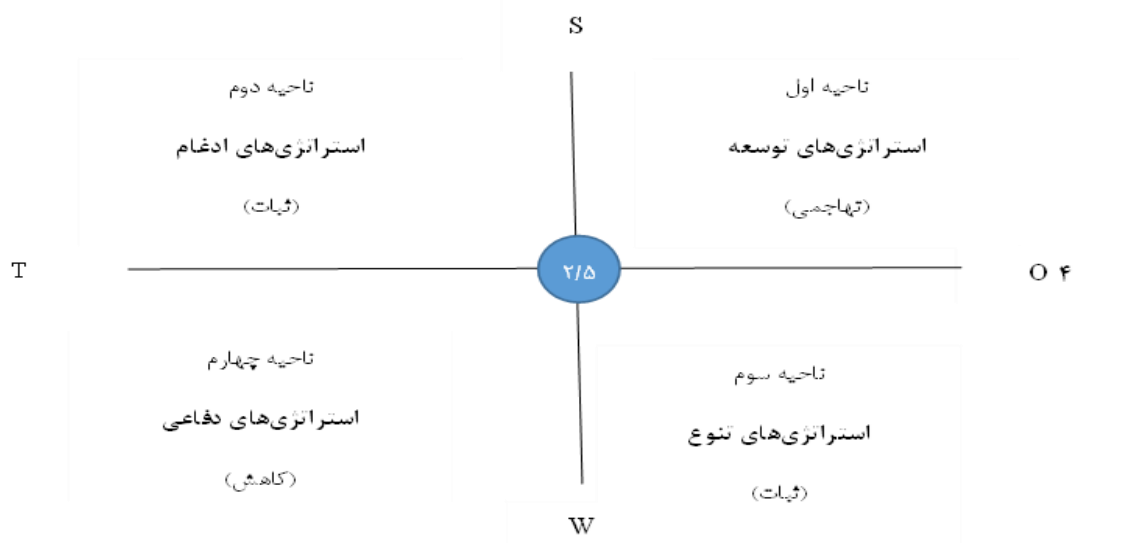
۴. نمره نهایی هر عامل از طریق ضرب ضریب هر عامل در نمره آن محاسبه می‌شود.

۵. مجموع نمره‌های نهایی هر یک از عوامل داخلی و خارجی محاسبه و موقعیت سازمان مشخص می‌شود.

۶. در ماتریس ارزیابی عوامل داخلی، اگر نمره نهایی از $2/5$ (میانگین ۱ و ۴) بیش‌تر باشد نشان‌دهنده این است که در این سازمان نقاط قوت از نقاط ضعف بیش‌تر است و اگر جمع نمره نهایی از $2/5$ کمتر باشد، نقاط قوت از نقاط ضعف کم‌تر است.

۷. در ماتریس ارزیابی خارجی اگر نمره نهایی از $2/5$ (میانگین ۱ و ۴) بیش‌تر باشد نشان‌دهنده این است که در این سازمان فرصت‌ها از تهدیدها بیش‌تر است و اگر جمع نمره نهایی از $2/5$ کمتر باشد، فرصت‌ها از تهدیدها کم‌تر است.

پس از محاسبه نمره نهایی هر یک از عوامل داخلی و خارجی ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی تشکیل و موقعیت سازمان مشخص می‌شود. این ماتریس شامل چهار موقعیت است که موقعیت استراتژیک سازمان یا مجموعه را نشان می‌دهند. این الگو در شکل زیر ترسیم شده است. همانطور که مشاهده می‌شود در این روش محور Xها به فرصت‌ها و تهدیدها و محور Yها به نقاط قوت و ضعف اختصاص می‌یابد. پس از ارزیابی عوامل داخلی و خارجی سازمان، جایگاه آن در یکی از خانه‌های ۱ تا ۴ قرار می‌گیرد. خانه ۱ به استراتژی‌های توسعه یا تهاجم، خانه‌های ۲ و ۳ استراتژی‌های ثبات و خانه ۴ استراتژی‌های کاهش یا دفاع، اختصاص می‌یابد (Marshal, 2006).



پس از تحلیل SWOT می‌توان از تلاقی چهار عامل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها چهار دسته راهبرد (استراتژی) تدوین نمود. این راهبردها در جدول زیر آمده‌اند.

جدول ۱: ماتریس SWOT

	نقاط قوت (S)	نقاط ضعف (W)
فرصت‌ها (O)	استراتژی SO	استراتژی WO
تهدیدها (T)	استراتژی ST	استراتژی WT

بر این اساس می‌توان گفت که:

- راهبردهای حداکثر استفاده از فرصت‌های محیطی با بکارگیری نقاط قوت سازمان (ناحیه ۱) (استراتژی‌های SO).
- راهبردهای استفاده از نقاط قوت سازمان برای جلوگیری از مواجهه با تهدیدها (ناحیه ۲) (استراتژی‌های ST).
- راهبردهای استفاده از مزیت‌های بالقوه‌ای که در فرصت‌های محیطی نهفته است برای جبران نقاط ضعف موجود سازمان (ناحیه ۳) (استراتژی‌های WO).
- راهبردهایی برای به حداقل رساندن زیان‌های ناشی از تهدیدها و نقاط ضعف (ناحیه ۴) (استراتژی‌های WT).

اولویت‌بندی استراتژی‌ها

تجزیه و تحلیل SWOT در مراحل اندازه‌گیری اهمیت عوامل و همچنین ارزیابی استراتژی‌ها با محدودیت همراه است (Kurttila et al., 2000). تجزیه و تحلیل SWOT عوامل موردنظر را در فرآیند تحلیل مشخص می‌کند، اما هر یک از عوامل به‌طور خلاصه و خیلی کلی توصیف می‌شوند. در بیش‌تر مواقع نتیجه تجزیه و تحلیل SWOT، تهیه فهرستی از عوامل درونی و بیرونی به‌صورت کیفی می‌باشد. لذا می‌توان گفت تجزیه و تحلیل SWOT به‌صورت جامع قادر به ارزیابی استراتژی‌های فرآیند تصمیم‌گیری سازمان نیست. محدودیت و ضعف ماتریس SWOT به‌عنوان یک ابزار تحلیلی برای تعیین اهمیت عوامل ارزیابی

گزینه‌های یا استراتژی‌های مختلف موجب شده است تا آن را با سایر تکنیک‌ها ترکیب و تلفیق کنند (Yazdanbakhsh, 2011). از جمله ابزاری که برای رفع این محدودیت استفاده می‌شود ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (QSPM1) است. مراحل تهیه این ماتریس بصورت زیر است:

۱- ابتدا براساس ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی فهرستی از استراتژی‌ها تهیه می‌شود. این استراتژی‌ها سطر اول ماتریس را شکل می‌دهند.

۲- زیرعوامل نقاط قوت و ضعف داخلی و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی در اولین ستون ماتریس فهرست شوند.

۳- وزن نهایی به دست آمده از تحلیل سلسله مراتبی برای هر یک از زیرعوامل در ستون دوم و مقابل هر یک از زیرعوامل فهرست می‌شوند. در ادامه نحوه محاسبه وزن نهایی ارایه شده است.

۴- اهمیت هر یک از عوامل در اجرای استراتژی به صورت نمره های ۱ تا ۴ تعیین می‌شود. این نمره‌ها توسط کارشناسان نسبت داده می‌شود. به این ترتیب که از آنها خواسته شد که بر اساس هر یک از استراتژی‌های تهیه شده اهمیت زیرعوامل‌های تدوین شده را مشخص نمایند. این نمره بیانگر میزان اثربخشی استراتژی در نشان دادن واکنش نسبت به عامل مزبور است. نمره ۴ بیانگر واکنش بسیار عالی، نمره ۳ واکنش بالاتر از حد متوسط، نمره ۲ بیانگر واکنش در حد متوسط و نمره ۱ نشان دهنده واکنش ضعیف می‌باشد.

۵- برای هر یک از عوامل مربوط به هر یک از استراتژی‌های نمره جذابیت (AS2) مشخص می‌شود. این نمره از حاصل ضرب ضریب وزن نهایی عامل در نمره اهمیت عامل تعیین می‌شود.

۶- برای هر یک از استراتژی‌ها مجموع نمره جذابیت مشخص می‌شود. این نمره، جذابیت یک استراتژی را نشان می‌دهد.

کمی کردن تحلیل SWOT و فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

همان‌طور که عنوان شد کمی نبودن اهمیت عوامل به‌عنوان یک محدودیت برای تحلیل SWOT محسوب می‌شود. برای کمی کردن اهمیت عوامل می‌توان از نظر کارشناسان استفاده نمود. در این مطالعه به‌منظور ارزیابی نهایی عوامل مختلف و مقایسه آن‌ها از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی استفاده شد. به‌طور کلی فرآیند AHP شامل چهار گام عمده می‌باشد. این چهار گام به‌ترتیب شامل مدلسازی، قضاوت ترجیحی (مقایسه‌های زوجی)، تعیین اولویت هر یک از عناصر تصمیم و تشکیل ماتریس وزن نهایی زیرعوامل است. در این مطالعه ۱۲ نفر از کارشناسان خبره و فعال در حوزه کشاورزی استان فارس انتخاب و پرسشنامه مربوطه به‌صورت مصاحبه حضوری تکمیل شد. عوامل و زیرعوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از طریق مصاحبه عمیق با

¹ Quantative Stratrgic Planing Matrix

² Atractive Score

کارشناسان، بررسی اسناد و مدارک و مرور مطالعات پیشین جمع‌آوری شد. همچنین عمده اطلاعات مربوط به مسائل و چالش‌های سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از مشاهده مستقیم و از طریق مصاحبه مستقیم با کشاورزان گردآوری شد.

نتایج و بحث

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود از مجموع وزن عوامل داخلی ۳۹ درصد آن به نقاط قوت و ۶۱ درصد آن نیز به نقاط ضعف اختصاص یافته است.

جدول ۲: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE)

نمره وزنی (نهایی)	رتبه	ضریب (وزن)	نقاط قوت و ضعف	
۰/۴۲۶	۳/۱۶	۰/۱۳۴	S1: زود بازده بودن سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کشاورزی	نقاط قوت (S)
۰/۳۷۸	۲/۷۱	۰/۱۳۹	S2: مقیاس پایین سرمایه‌گذاری در مقایسه با سایر فعالیت‌ها	
۰/۳۰۹	۲/۴۲	۰/۱۲۷	S3: امکان دریافت آسان وام‌های کوتاه مدت برای سرمایه‌گذاری	
۰/۴۴۶	۳/۴۶	۰/۱۲۹	W1: شیوه تولید سنتی و مقیاس فعالیت پایین (بازده پایین و توانایی پایین اعضا برای سرمایه‌گذاری یا بازپرداخت وام)	نقاط ضعف (W)
۰/۴۴۹	۳/۴۶	۰/۱۲۹	W2: ریسک بالای تولید فعالیت‌های کشاورزی بویژه ریسک ناشی از دسترسی به آب	
۰/۲۵۶	۲/۵۱	۰/۱۰۱	W3: فصلی بودن فعالیت و وجود فاصله میان دریافت‌ها و پرداخت‌ها	
۰/۲۶۳	۲/۱۹	۰/۱۲۰	W4: عدم وجود (ضعف در تحقیق و توسعه) یا عدم دسترسی (ضعف در ترویج) به تکنولوژی‌های سازگار با شرایط و ساختار منابع ایران	
۰/۲۲۷	۱/۹۵	۰/۱۱۶	W5: ماهیت متفاوت محصولات کشاورزی (هزینه بالای خدمات بازاریابی، ...)	
۲/۷۵	-	۱		جمع

مأخذ: یافته‌های تحقیق

لذا می‌توان گفت از دید کارشناسان، نقاط ضعف مهم‌تر از نقاط قوت در حوزه مورد مطالعه است. در میان نقاط قوت "مقیاس پایین سرمایه‌گذاری در مقایسه با سایر فعالیت‌ها" و "زود بازده بودن سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کشاورزی" به‌عنوان مهم‌ترین نقاط قوت برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ذکر شده است که وزنی در حدود ۲۷ درصد از کل وزن اختصاص یافته می‌باشد. به نظر می‌رسد کارشناسان از چنین فضایی بعنوان یک مزیت یاد می‌کنند و این می‌تواند به معنی مطلوب بودن سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی باشد. نکته حایز اهمیت آن است که در بین نقاط قوت امکان دریافت آسان وام‌های کوتاه‌مدت برای سرمایه‌گذاری کم‌ترین وزن را به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر، شرایط پرداخت تسهیلات از دید کارشناسان مطلوب نیست. مقادیر ضرایب در واقع اهمیت نسبی این عوامل است. اهمیت مطلق هر عامل نیز با استفاده از نمره یا رتبه داده شده به

آن‌ها سنجش می‌شود. در ستون دوم مقادیر نمره‌های اختصاص یافته برای هر یک از عوامل آمده است که در واقع شدت قوت عامل را نشان می‌دهد. مقادیر رتبه‌های به دست آمده تفاوت زیادی را نشان می‌دهد. این امر موجب شده است تا میان عوامل برحسب نمره وزنی به دست آمده تمایز بیش‌تری حاصل شود. در نهایت نیز در ستون آخر نمره وزنی برای هر یک از عوامل به دست آمده است. از کل نمره نهایی برابر با ۲/۷۵ حدود ۱/۱۱ آن به عوامل قوت اختصاص یافته است. اما به هر حال بالاترین نمره نهایی به عامل "زود بازده بودن سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کشاورزی" داده شده است که حدود ۳۸ درصد از کل وزن اختصاص یافته به نقاط قوت می‌باشد. عامل "مقیاس پایین سرمایه‌گذاری در مقایسه با سایر فعالیت‌ها" در رتبه بعد قرار دارد. در کنار نقاط قوت ذکر شده نقاط ضعف متعددی نیز توسط کارشناسان ذکر شده است. این نقاط ضعف به همراه اهمیت آنها در جدول ۲ آمده است. بر حسب اهمیت نسبی عوامل ضعف که از وزن‌های اختصاص یافته به آن‌ها قابل دریافت است، تفاوت میان آن‌ها چندان بالا نمی‌باشد. در پایین‌ترین سطح اهمیت، عامل "فصلی بودن فعالیت و وجود فاصله میان دریافت‌ها و پرداخت‌ها" قرار دارد که وزن آن اندکی بیش از ۱۰ درصد از کل وزن اختصاص یافته به عوامل داخلی است و در بالاترین سطح عامل‌های "شیوه تولید سنتی و مقیاس فعالیت پایین (بازده پایین و توانایی پایین اعضا برای سرمایه‌گذاری یا بازپرداخت وام)" و "ریسک بالای تولید فعالیت‌های کشاورزی بویژه ریسک ناشی از دسترسی به آب" قرار دارد که وزن هر یک از آن‌ها حدود ۱۳ درصد است. البته در خصوص اهمیت نسبی پس از ضرب آنها در نمره اختصاص یافته تمایز بیش‌تری ایجاد می‌شود. سایر عوامل دارای وزن بسیار نزدیک به یکدیگر هستند. برحسب نمره داده شده به عوامل ضعف نیز تفاوت زیادی میان عوامل وجود دارد. در بالاترین سطح که در واقع نشان‌دهنده بیش‌ترین ضعف یا قوی‌ترین عامل تضعیف‌کننده موقعیت فعالیت است، "شیوه تولید سنتی و مقیاس فعالیت پایین (بازده پایین و توانایی پایین اعضا برای سرمایه‌گذاری یا بازپرداخت وام)" و "ریسک بالای تولید فعالیت‌های کشاورزی بویژه ریسک ناشی از دسترسی به آب" می‌باشند. برای این عوامل نمره ۳/۴۶ در نظر گرفته شده است. به این معنی که اغلب کارشناسان این عوامل را به‌عنوان عامل ضعف شدید ارزیابی نموده‌اند. پس از عوامل فوق نیز عامل "فصلی بودن فعالیت و وجود فاصله میان دریافت‌ها و پرداخت‌ها" قرار دارد که دارای نمره‌ای در حدود ۲/۵۱ است به عبارت دیگر در مورد این عامل نیز اغلب کارشناسان به آنها نمره ضعف شدید را در نظر گرفته‌اند. این در حالی است که در مورد سایر عوامل نمره داده شده به عدد ۲ نزدیک است. برای تحلیل تمایز قطعی، حال می‌توان مقادیر نمره وزن دار هر یک از عوامل را مورد ارزیابی قرار داد. این مقادیر حاصل ضرب مقادیر نمره در ضریب یا وزن اختصاص یافته به آن‌ها می‌باشد که در ستون آخر آمده است. بر حسب مقادیر نمره وزنی در ستون آخر می‌توان عوامل ضعف را به دو گروه متمایز نمود. به این ترتیب که وزن عوامل "شیوه تولید سنتی و مقیاس فعالیت پایین (بازده پایین و توانایی پایین اعضا برای سرمایه‌گذاری یا بازپرداخت وام)" و "ریسک بالای تولید فعالیت‌های کشاورزی بویژه ریسک ناشی از دسترسی به آب" در دامنه ۰/۴۴۹-۰/۴۴۶ قرار دارند؛ لذا می‌توان آنها را دارای اهمیت نهایی برابر عنوان نمود. در حالی که سایر عوامل شامل "عدم وجود (ضعف در تحقیق و توسعه) یا عدم دسترسی (ضعف در ترویج) به

تکنولوژی‌های سازگار با شرایط و ساختار منابع ایران"، "فصلی بودن فعالیت و وجود فاصله میان دریافت‌ها و پرداخت‌ها" و "ماهیت متفاوت محصولات کشاورزی (هزینه بالای خدمات بازاریابی، ... در رتبه‌های بعد قرار دارند که وزن آنها به ترتیب ۰/۲۶۳، حدود ۰/۲۵۶ و ۰/۲۲۷ است. نکته حایز اهمیت این است که در مجموع هم عوامل مدیریتی و هم عوامل اقلیمی و ساختاری در تولید و فعالیت کشاورزی به عنوان نقاط ضعف ارزیابی شده‌اند. در نهایت، در ماتریس ارزیابی عوامل داخلی، اگر نمره نهایی از ۲/۵ (میانگین ۱ و ۴) بیش تر باشد نشان دهنده این است که در این سازمان نقاط قوت از نقاط ضعف بیش تر است و اگر جمع نمره نهایی از ۲/۵ کمتر باشد، نقاط قوت از نقاط ضعف کم تر است. همان طور که مشاهده می شود در جدول فوق این مقدار برابر با ۲/۷۵ به دست آمده است و لذا می توان گفت نقاط قوت از نقاط ضعف بیش تر هست.

جدول ۳: ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE)

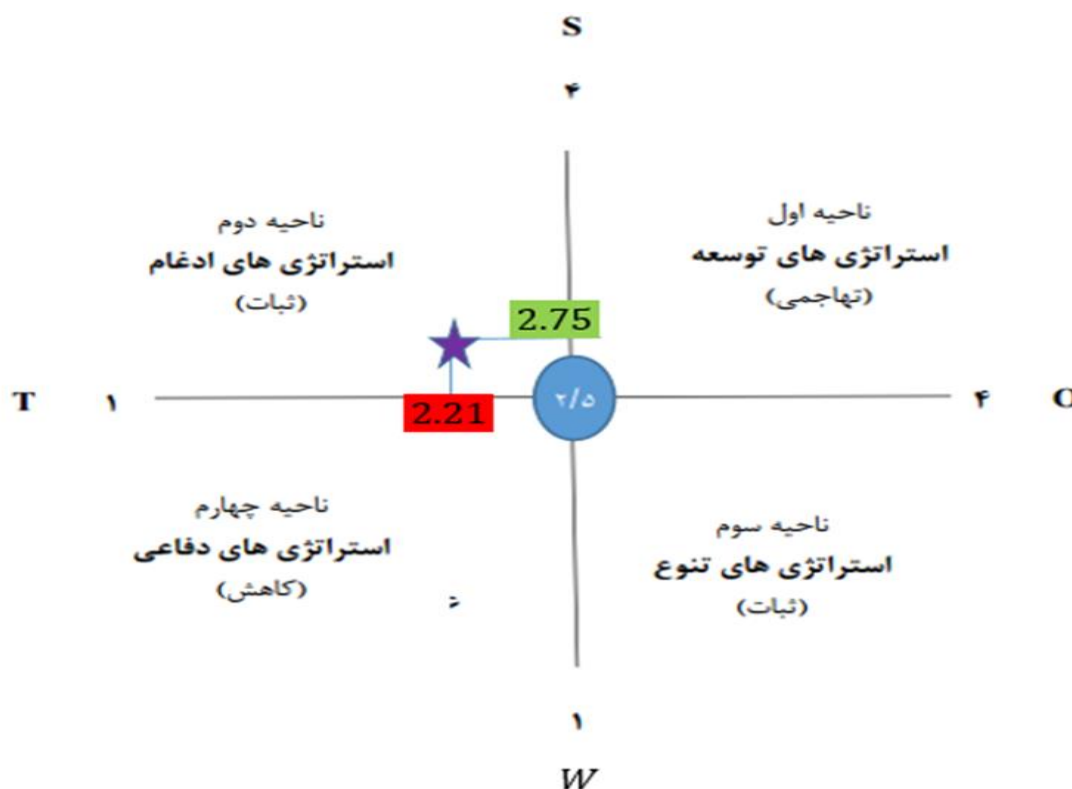
نمره وزنی (نهایی)	نمره	ضریب (وزن)	فرصت‌ها و تهدیدها	
۰/۳۰۳	۲/۲۱	۰/۱۳۷	O1: دسترسی به بازارهای بزرگ صادراتی و داخلی	فرصت‌ها (O)
۰/۲۲۳	۲/۰۶	۰/۱۰۷	O2: حمایت از فعالیتهای کشاورزی از طریق بیمه محصولات و تسهیلات اعتباری ویژه کشاورزی (با بهره پایین تر)	
۰/۲۱۰	۲/۴۸	۰/۰۸۴	O3: ضرورت تأمین داخلی غذا بخصوص با توجه به محدودیت هایی مانند تحریم و ...	
۰/۲۱۹	۲/۳۹	۰/۰۹۱	O4: وجود صنایع تبدیلی و مراکز نگهداری محصول در استان	
۰/۱۰۰	۱/۷۷	۰/۰۵۶	O5: حمایت از شرکت های دانش بنیان کشاورزی	
۰/۳۰۱	۲/۵۴	۰/۱۱۸	T1: عدم شفاف بودن سیاست‌های دولت (بوژه در زمینه هایی مانند تعیین قیمت تضمینی، واردات و ...)	تهدیدها (T)
۰/۲۱۳	۲/۱۶	۰/۰۹۸	T2: اولویت بالاتر فعالیت های غیرکشاورزی در مقایسه با فعالیت های کشاورزی	
۰/۱۹۹	۲/۰۶	۰/۰۹۶	T3: مداخلات دولتی در بازار (تعیین قیمت محصولات، واردات بی رویه و ...)	
۰/۲۵۰	۲/۲۸	۰/۱۰۹	T4: شرایط نامطلوب بازار (نوسان بالا و پایین بودن قیمت محصول)	
۰/۱۹۲	۱/۹۵	۰/۰۹۸	T5: نامطلوب بودن زیرساخت‌ها مانند جاده و ...	
۲/۲۱	-	۱		جمع

مأخذ: یافته‌های تحقیق

پس از بررسی عوامل داخلی حال در این بخش عوامل خارجی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در جدول ۳ مشاهده می‌شود که میان عوامل مختلف از نظر سهم یا اهمیت تفاوت زیادی وجود دارد. در میان عوامل فرصت عامل " دسترسی به بازارهای بزرگ صادراتی و داخلی " با وزن ۱۳/۷ درصد در واقع بالاترین ضریب را در میان عوامل فرصت به خود اختصاص داده است. در رتبه بعد " حمایت از فعالیتهای کشاورزی از طریق بیمه محصولات و تسهیلات اعتباری ویژه کشاورزی (با بهره پایین تر) " قرار دارد. عامل " وجود صنایع تبدیلی و مراکز نگهداری محصول در استان " در رتبه بعدی قرار دارد که دارای وزنی در حدود ۸/۵ درصد را کسب کرده است. به این ترتیب وجود بازارهای صادراتی و داخل در کنار زیرساخت‌های مطلوب برای انتقال محصول می‌تواند به کاهش هزینه‌های فعالیت و در عین حال افزایش قیمت محصول منتهی شده و موجب افزایش سودآوری فعالیتهای کشاورزی شود. در ستون دوم مقادیر نمره اختصاص یافته به هر یک از عوامل آمده است. در مورد عوامل فرصت مشاهده می‌شود

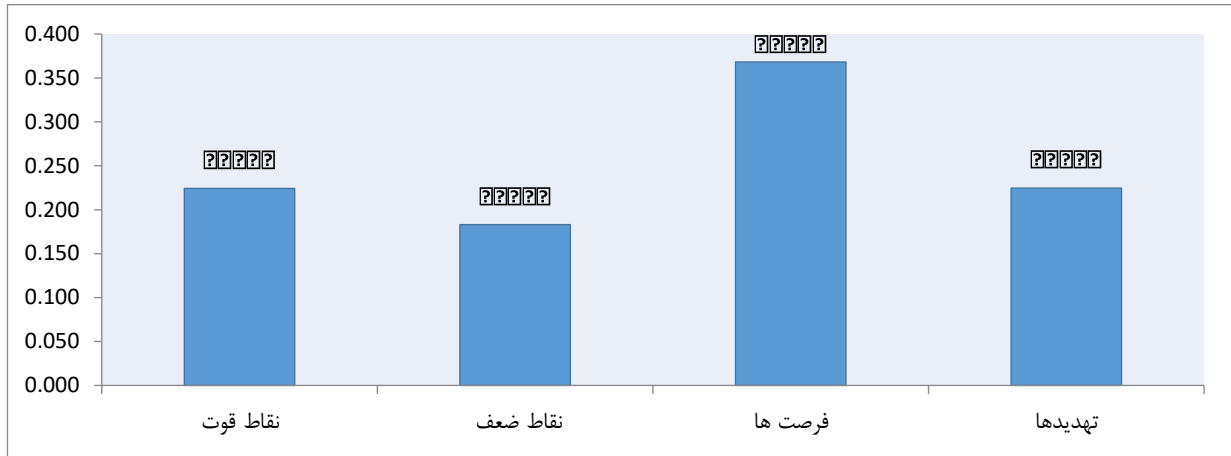
که اغلب آنها دارای نمره نزدیک ۲ و بالاتر هستند. به این ترتیب که از میان عوامل مندرج در جدول، چهار عامل دارای نمره بین ۲-۲/۵ هستند و نمره عامل "حمایت از شرکت‌های دانش بنیان کشاورزی" از ۲ کم‌تر است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که حدود ۴۳ درصد از کل نمره وزنی به دست آمده برای عوامل خارجی به عوامل فرصت اختصاص یافته است. در تحلیل مجدد عوامل فرصت موجود برای ایجاد سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در بخش کشاورزی بر اساس نمره وزنی آنها می‌توان گفت عامل "دسترسی به بازارهای بزرگ صادراتی و داخلی" دارای بالاترین نمره است که استفاده از این فرصت مستلزم ایجاد زمینه مناسب برای آن و البته حفظ شرایط مطلوب است. به این معنی که کسب و کارهای کشاورزی برای بهره‌برداری از زمینه‌های موجود در بازارهای صادراتی و داخلی باید همواره امکان رقابت را در بازار دارا باشند. این خود به معنی توجه به بازارها و استفاده از تکنولوژی می‌باشد. به عبارت دیگر ضرورت استفاده از این فرصت بهره‌گیری از نوآوری و توجه به بازاریابی است. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود مشابه عوامل فرصت، پنج عامل نیز به‌عنوان عوامل خارجی تهدیدکننده سرمایه‌گذاری و تأمین مالی بخش کشاورزی توسط کارشناسان ارزیابی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که تهدیدها دارای وزن نزدیک به یکدیگر هستند و وزن اختصاص یافته به آنها در دامنه ۱/۸-۹/۶ درصد قرار دارد. افزون بر این دو عامل دارای وزن یا اهمیت یکسان هستند. این عوامل که دارای ضریب یا وزن حدود ۹/۸ درصد هستند عبارتند از "اولویت بالاتر فعالیت‌های غیرکشاورزی در مقایسه با فعالیت‌های کشاورزی" و "نامطلوب بودن زیرساخت‌ها مانند جاده و ...". در بالاترین سطح نیز عامل "عدم شفاف بودن سیاست‌های دولت (بویژه در زمینه‌هایی مانند تعیین قیمت تضمینی، واردات و ...)" قرار دارد که وزن آن ۱۱/۸ درصد است. عامل "شرایط نامطلوب بازار (نوسان بالا و پایین بودن قیمت محصول)" با وزن ۱۰/۹ درصد از این حیث در رتبه بعدی قرار دارد. "شرایط نامطلوب بازار (نوسان بالا و پایین بودن قیمت محصول)" برگرفته از موقعیت فعلی اقتصاد ایران است و لذا می‌توان گفت این تهدیدها زمینه‌های مشترک تمام فعالیت‌های اقتصادی است که ناشی از ساختار فعلی اقتصاد ایران است. سایر عوامل در واقع به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در گرو سیاست‌ها و عملکرد دولت است. در این راستا، عامل "مداخلات دولتی در بازار (تعیین قیمت محصولات، واردات بی رویه و ...)" نیز خود ناشی از سیاست‌های دولت در اقتصاد است. به این ترتیب در مورد تهدیدها می‌توان گفت این تهدیدها به‌طور کلی ناشی از سیاست‌ها و ساختارهایی است که تمامی زمینه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. در ستون ماقبل آخر نیز نمره‌های داده شده به هر یک از عوامل آمده است. نمره اختصاص یافته در دامنه ۲/۵-۱/۹۵ می‌باشد. همچنین با توجه به مقادیر ارایه شده در جدول می‌توان گفت اغلب آنها کم‌تر از ۲/۵ است. یعنی این تهدیدها در سطح بسیار بالا قرار ندارند و کارشناسان معتقدند ضمن وجود این تهدیدها می‌توان فعالیت مطلوبی انجام داد. مقادیر نمره وزنی یا وزن نهایی اختصاص یافته به هر یک از عوامل نیز حاکی از دامنه نوسان کم می‌باشد. به گونه‌ای که این نمره‌ها در دامنه ۰/۳۰۱-۰/۱۹۲ قرار دارند. در میان عوامل مختلف در بالاترین سطح "عدم شفاف بودن سیاست‌های دولت (بویژه در زمینه‌هایی مانند تعیین قیمت تضمینی، واردات و ...)" قرار دارد که نمره وزنی آن اندکی بیشتر از ۰/۳۰ است. در رتبه دوم نیز "شرایط نامطلوب

بازار (نوسان بالا و پایین بودن قیمت محصول)" قرار دارد. امتیاز نهایی ماتریس عوامل خارجی از $2/5$ کم تر است. به این معنا که نقاط فرصت از نقاط تهدید کم تر است. در شکل ۶ نیز موقعیت فعلی سرمایه گذاری و تأمین مالی بخش کشاورزی ترسیم شده است. این موقعیت در منطقه متناظر با استراتژی ادغام قرار دارد. بنابراین، استفاده از نقاط قوت برای اجتناب از تبعات منفی تهدیدهای محیطی می بایستی مورد توجه قرار گیرد. در واقع، با توجه به توان محدودکنندگی عوامل ضعف و تهدیدها باید جانب احتیاط رعایت شود.

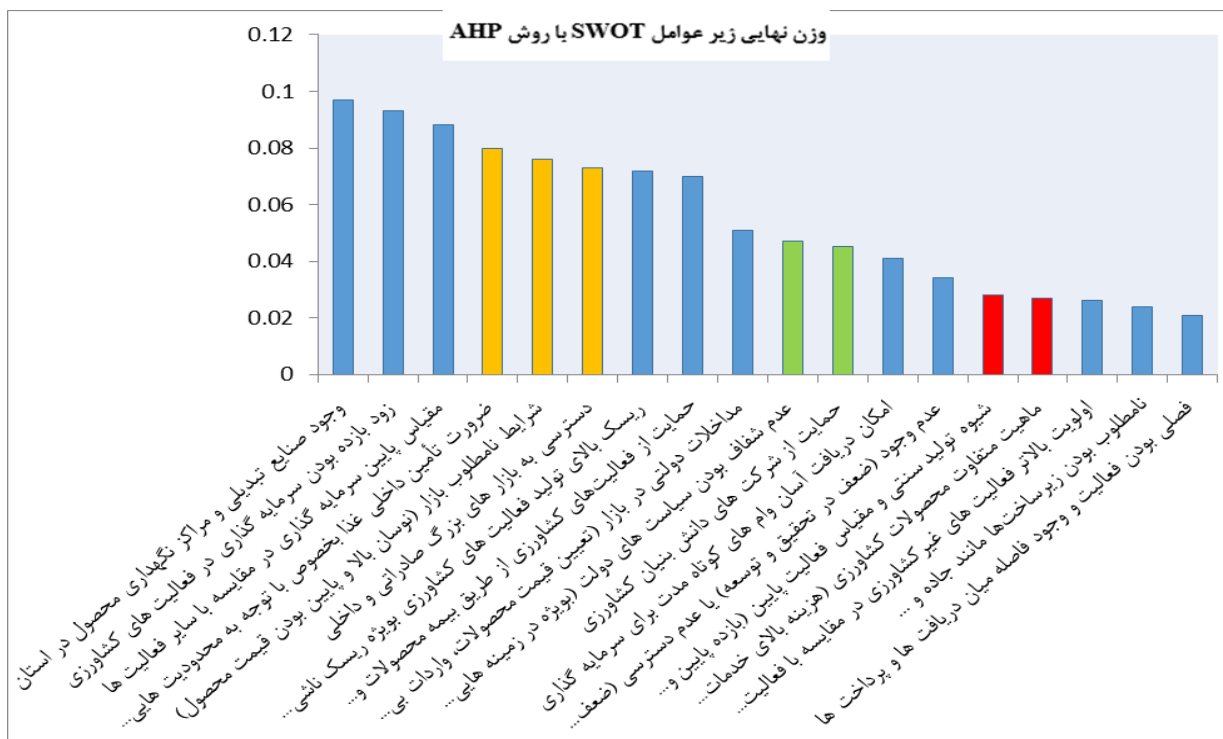


شکل ۶: موقعیت کشاورزی استان فارس براساس تحلیل عوامل داخلی و خارجی

از میان عوامل فوق بالاترین اهمیت به فرصت‌ها تعلق گرفته است که دارای وزنی معادل ۳۷ درصد است (شکل ۷). در رتبه دوم تهدیدها قرار دارد که وزن آنها در $22/5$ درصد است. نقاط قوت در مقایسه با دو گروه ذکر شده از اهمیت کمتری برخوردارند و به آنها تنها وزن حدود $22/4$ درصد نسبت داده شده است. در میان عوامل اصلی، نقاط ضعف از اهمیت بسیار کمتری برخوردار شده‌اند و به این عوامل اهمیتی در حدود $18/3$ درصد تعلق گرفته است. وزن نهایی عوامل مورد بررسی در این مطالعه در شکل ۸ آمده است. این مقادیر از حاصل ضرب وزن‌های به دست آمده از ماتریس‌های مقایسه زوجی حاصل شده است. برای هر یک از زیرعوامل وزن نهایی، حاصل ضرب وزن عامل اصلی در زیرعامل است. لازم به ذکر است که زیرعوامل برحسب مقدار خود از بالاترین مقدار به پایین ترین مقدار مرتب شده‌اند.



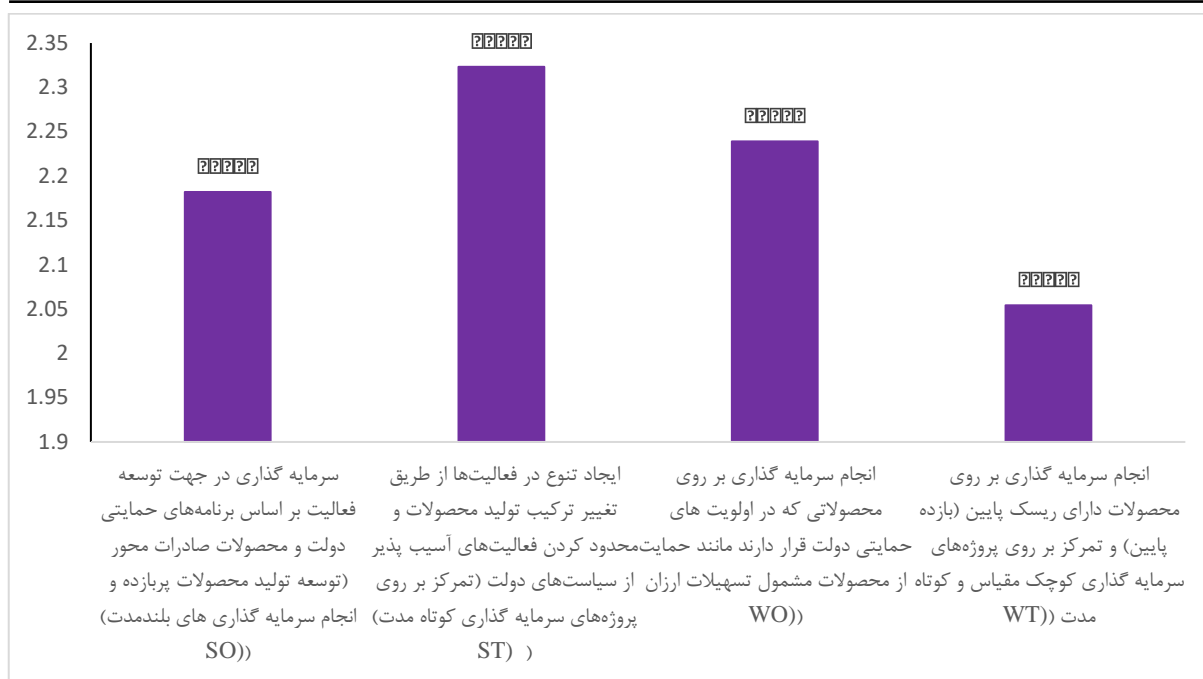
شکل ۷: اهمیت نسبی عوامل اصلی تحلیل SWOT (درصد)



شکل ۸: وزن نهایی زیر عوامل SWOT با روش AHP

نتایج حاکی از آن است که فرصت‌ها و قوت‌ها دارای بالاترین اولویت هستند. به گونه‌ای که در میان چهار عامل اول، دو عامل جزو زیرعوامل‌های فرصت‌ها و دو عامل نیز جزو زیرعوامل‌های قوت‌ها هستند. بر این اساس، زیرعامل "وجود صنایع تبدیلی و مراکز نگهداری محصول در استان" بالاترین درجه اهمیت را با وزنی معادل ۹/۷ درصد کسب کرده است. در رتبه دوم اثرگذاری، عامل "زود بازده بودن سرمایه گذاری در فعالیت‌های کشاورزی" با وزنی معادل ۹/۳ درصد قرار دارد که اهمیت بالای این نقطه قوت را برای توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را نشان می‌دهد. همچنین وزن عامل "مقیاس پایین سرمایه‌گذاری در مقایسه با سایر فعالیت‌ها" به عنوان یکی از زیرعوامل‌های نقاط قوت و عامل "ضرورت تأمین داخلی غذا به خصوص با توجه به محدودیت‌هایی مانند تحریم و ..." به عنوان یکی از زیرعوامل‌های فرصت‌ها بیش از ۸ درصد است. "شرایط نامطلوب بازار (نوسان

بالا و پایین بودن قیمت محصول) " به عنوان مهم ترین زیرعامل تهدیدها در رتبه پنجم قرار دارد. مطابق انتظار، " دسترسی به بازارهای بزرگ صادراتی و داخلی " با وزنی نزدیک ۷ درصد در رتبه بعدی قرار دارد. اهمیت نقاط ضعف نیز بر اساس وزن های به دست آمده در سطح بالایی می باشد. به طوری که زیرعامل " ریسک بالای تولید فعالیت های کشاورزی بویژه ریسک ناشی از دسترسی به آب " وزنی بیش تر از ۷ درصد را به خود اختصاص داده است. به طور مشخص دو زیرعوامل مربوط به تهدیدها و نقاط ضعف در انتهای اولویت قرار دارند و وزن اختصاص یافته به آنها حدود ۲ درصد است. در مجموع شش عامل آخر از نظر درجه اهمیت مربوط به زیرعامل های تهدیدها و نقاط ضعف هستند. به این ترتیب می توان گفت با بهره گیری از فرصت ها و نقاط قوت که مورد توجه کارشناسان نیز قرار گرفته است برای دستیابی به گسترش تأمین مالی در بخش کشاورزی باید نقاط ضعف و تهدیدها مورد توجه قرار گیرند. در شکل ۹ استراتژی های منتخب مطالعه اولویت بندی شده است. برای این منظور وزن نهایی به دست آمده برای هر یک از عوامل از مرحله قبل در مقدار نمره عامل تعیین شده توسط کارشناسان منتخب ضرب شده است. لازم به ذکر است که کارشناسان منتخب نمره هر زیرعامل را بر اساس استراتژی پیشنهاد شده انتخاب نموده اند. به این ترتیب، سهم هر یک از زیرعوامل در دستیابی به استراتژی ها ارزیابی شد. استراتژی های مطالعه عبارت بودند از استراتژی SO که به صورت " سرمایه گذاری در جهت توسعه فعالیت براساس برنامه های حمایتی دولت و محصولات صادرات محور (توسعه تولید محصولات پربازده و انجام سرمایه گذاری های بلندمدت) " تعریف شد. استراتژی ST که به طور مختصر بصورت " ایجاد تنوع در فعالیت ها از طریق تغییر ترکیب تولید محصولات و محدود کردن فعالیت های آسیب پذیر از سیاست های دولت (تمرکز بر روی پروژه های سرمایه گذاری کوتاه مدت) " بیان شد. استراتژی WO تحت عنوان " انجام سرمایه گذاری بر روی محصولاتی که در اولویت های حمایتی دولت قرار دارند مانند حمایت از محصولات مشمول تسهیلات ارزان " به کارشناسان ارایه شد. همچنین آخرین استراتژی (WT) " انجام سرمایه گذاری بر روی محصولات دارای ریسک پایین (بازده پایین) و تمرکز بر روی پروژه های سرمایه گذاری کوچک مقیاس و کوتاه مدت " می باشد. براساس نتایج، به ترتیب استراتژی های ST، WO، SO و WT دارای نمره جذابیت بالاتری ارزیابی شد. با توجه به بالا بودن جذابیت استراتژی های ST و WO نسبت به دو استراتژی دیگر، می توان گفت همچنان که در استراتژی ST که نقاط قوت و تهدیدها در کانون توجه برای انتخاب استراتژی هستند، فرصت های موجود و ضعف ها حایز اهمیت بسیار هستند و به اعتقاد کارشناسان در این شرایط نیز فعالین اقتصادی باید با تمرکز بر روی فرصت های موجود و ضمن بهره گیری از فرصت ها به مقابله با ضعف ها پرداخته و زمینه ایجاد تنوع فعالیت را فراهم نمایند.



شکل ۹: نمره جذابیت استراتژی‌ها

نتیجه‌گیری کلی

در مطالعه حاضر با استفاده از تحلیل SWOT ابتدا عوامل اصلی شامل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای پیرامون سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی استان فارس شناسایی و با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی اهمیت (وزن) هر یک از این عوامل اصلی و زیرعوامل آنها از دیدگاه کارشناسان و کشاورزان اندازه‌گیری شد. با توجه به اهمیت نقاط قوت، کارشناسان فضای موجود در بخش کشاورزی را برای انجام و توسعه سرمایه‌گذاری مطلوب ارزیابی می‌کنند و معتقدند با توجه به مقیاس پایین و زودبازده بودن سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، پتانسیل سرمایه‌گذاری در این بخش وجود دارد. بالاتر بودن اهمیت فرصت‌ها نسبت به نقاط قوت، ضعف و تهدیدها نیز نشان می‌دهد که با عنایت به این فرصت‌ها در کسب و کارهای کشاورزی می‌توان نسبت به رفع نقاط ضعف و کاهش تهدیدها برای گسترش سرمایه‌گذاری امیدوار بود. همچنین، با توجه به بالا بودن جذابیت استراتژی‌های ST و WO نسبت به دو استراتژی دیگر، فعالین اقتصادی می‌بایستی با تمرکز بر روی فرصت‌های موجود و ضمن بهره‌گیری از فرصت‌ها به مقابله با ضعف‌ها پرداخته و زمینه ایجاد تنوع فعالیت را فراهم نمایند. علاوه بر این، موقعیت فعلی سرمایه‌گذاری و تأمین مالی بخش کشاورزی در منطقه متناظر با استراتژی ادغام قرار دارد. بنابراین، استفاده از نقاط قوت برای اجتناب از تبعات منفی تهدیدهای محیطی می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد. برای دستیابی به این شرایط، افزایش بهره‌وری عوامل تولید، توسعه بازارهای مالی و بیمه، توسعه صادرات، تغییر رابطه مبادله به نفع بخش کشاورزی، کشاورزی قراردادی، بهبود زنجیره ارزش، اولویت‌بخشی در تخصیص منابع مالی و انجام سرمایه‌گذاری مکمل در زیربنایها و فناوری‌های راهگشا می‌باشد. تغییر رویکرد بانک



کشاورزی با اولویت دادن به زنجیره ارزش، فرآیندهای ایجاد ارزش افزوده بالا، توسعه مکانیزاسیون و حمایت از طرح‌های دانش بنیان نیز می‌تواند به بهبود شرایط سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی مساعدت کند.

منابع

- Abdullahi, M. (2004).** Challenges of rural agriculture financing: new experiences and approaches. Internal report, Department of Economic Studies and Policies, J.A. Central Bank. (In Persian)
- Arab-Mazar, A. and Khadimian, S. (2012).** Investment priority in Iran's agricultural sub-sectors. *Agricultural economics and development*. Year 21, No. 82. 27-43. (In Persian)
- Central Bank. (2018), "Economic Report and Balance Sheet", different years, Department of Economic Studies and Policies. (In Persian)
- FAOSTAT. (2021).** Available in the database <https://www.fao.org/faostat/en/#home>
- Food and Agriculture Organization (FAO). (2010).** Investigating the Structure, Magnitude and Trends of Capital Formation in and for Agriculture: Country Case Study of Nepal. Rome, Italy.
- Iran Statistics Center (2019).** statistical data and information. Available in the database <https://www.amar.org.ir/>. (In Persian)
- Kopahi, M. and M. R. Bakhshi (2002).** Factors affecting the repayment performance of agricultural credits: application of the discriminant analysis function in a case study of Birjand city. *Iranian Journal of Agricultural Sciences*. 33 (1), 11-19. (In Persian)
- Kurttila, M., Pesonen, M., Kangas, J., Kajanus, M. (2000).** Utilizing the analytic hierarchy process (AHP) in SWOT analysis- a hybrid method and its application to a forest certification case, *Forest policy and Economics*, 1:41-52.
- Malkootikah, S. H. and Farajzadeh, Z. (2019).** The effect of climate change on Iran's economic growth. *Economics and agricultural development (agricultural sciences and industries)*. No. 2. 238-223. (In Persian)
- Marshal, D., & Siahaan, U. M. (2021).** Financing strategy to support a product development of aluminium finished goods (case study: PT. XYZ). *IDEAS: Journal of Management & Technology*, 1(1), 38-52.
- Mehrabi Boshir Abadi, H. Islamic M. R. Sharafmand, H. and A. A. Baghestani (2011).** Investigating the effective factors on capital productivity in Iran's agricultural sub-sectors. *Agricultural Economics*. Volume 5. Number 1: 17-36. (In Persian)
- Ministry of Jihad Agriculture. (2019).** Available in the database <http://www.maj.ir>. (In Persian)
- Motafakerazad, M. A. Beheshti, M. B. and S. Mamipoor (2009).** The effect of human capital on Iran's gross domestic product in the framework of James Remo's model. *Research paper of economic sciences*. Ninth year 32 (1): 148-124. (In Persian)
- Ordi bazar, H. and Moghaddasi, R. (2010).** Identifying the Causes of Agricultural Price Gap Fluctuations (For Beef & Veal, Poultry). *Journal of Agricultural Economics Research*, 4, 27-44. (In Persian)
- Rabiei, M. (2009).** The effect of innovation and human capital on economic growth in Iran. *Knowledge and development magazine*. 16th year No. 26: 142-122. (In Persian)
- Salehi, M. J. (2002).** The effects of human capital on Iran's economic growth. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*. No. 23 and 24: 43-73. (In Persian)
- Shajari, Sh. and Farajzadeh, Z. (2019).** Prioritizing investment in the agricultural sector of Fars province based on capital return. *Agricultural economics and development*. Year twenty-eight, number 109. 249-225. (In Persian)
- Yazdan Bakhsh, S. (2018).** Identifying factors affecting the production capacity of food and beverage industries and providing appropriate strategies to improve the status of these industries.

Master's thesis. Mashhad Ferdowsi University. School of Agriculture. Department of Agricultural Economics. (In Persian)